



حجت‌الاسلام دکتر سیدامیر عباس عبداللهی، استاد حوزه و دانشگاه و جامعه‌شناس:

سبد تشویق جوانان به ازدواج خالی است



سیدامیر عباس عبداللهی

تسهیلاتی که در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در نظر گرفته شده است، عمدتاً افرادی را شامل می‌شود که خانواده تشکیل داده‌اند و دارای یک فرزند هستند. در کل سیاست غلطی است چراکه اگر بخواهیم برای مسئله ازدیاد نسل مشوق بگذاریم، ابتدا باید به موضوع ازدواج توجه کرد و برای آن مشوق‌هایی ویژه در نظر گرفت. از اشکالات دیگر موضوع ناباروری است که چندان به آن پرداخته نشده است، به همین خاطر زوج‌های نابارور باید چندصد میلیون هزینه کنند تا صاحب فرزند شوند در حالی که این کار با یک تدبیر قابل حل خواهد بود. حجت‌الاسلام دکتر سیدامیر عباس عبداللهی، استاد حوزه و دانشگاه و جامعه‌شناس با تأیید ایرادات قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت می‌گوید: این قوانین چندان اثرگذار نیست چراکه با شرایط جامعه امروز ما و آنچه در دستگاه‌ها و سازمان‌ها می‌گذرد، همخوانی ندارد. وی در نگاهی دیگر معتقد است: اگر چه موضوع فرزندآوری به خاطر چالش اقتصادی‌ی لنگ می‌زند، اما چالش‌های دیگری هم دارد که از همه مهم‌تر چالش فرهنگی است. او می‌گوید: «برای رسیدن به ایرانی جوان، باید در همه جهات از جمله

ابتدا بفرمایید چرا بعضی جوانان میل و رغبتی برای ازدواج ندارند، در حالی که یکی از نیازهای اصلی در دوران جوانی است؟

باید به این موضوع اشاره کنم که عرضه و تقاضا در بازار ازدواج یک مسئله نامتوازن است، به همین دلیل از منظر اجتماعی وقتی جوانی می‌بیند، در جامعه نسبت به نیازهای او توجهی نمی‌شود، رغبتی برای تشکیل ازدواج نخواهد داشت. از آن طرف وقتی مسئله ازدواج بررسی می‌شود، متوجه مخارج سنگین و همچنین مسائل پیرامونی و حاشیه‌ای آن می‌شویم، به همین خاطر جوانان تن به ازدواج نمی‌دهند و این را باید مشکل بزرگی فرض کرد، آن وقت سیاست‌ها باید اصلاح شود و برنامه اصلاحی برای این کاستی‌ها داشته باشیم.

در نگاه زنجیره‌ای به موانع ازدواج، مسئله فرهنگی پرننگ است. تشویق‌های ازدواج و فرزندآوری در نگاه فرهنگی چگونه رقم می‌خورد؟

باید الگوها را بازخوانی کنیم. الگوی دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ فرق کرده، اما در این زمینه فرهنگ‌سازی نشده است. مستندسازها هیچ برنامه تشویقی در این زمینه نداشته‌اند و سریالی به شکل جدی تهیه نشده است که بخواهد اهمیت ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری را به جوان نشان دهد. الگودهی‌کننده ازدواج، خانواده‌ها و فرزندآوری را به جوان نشان دهد و الگودهی کند. خانواده‌ها را نیز نسبت به ازدواج



باید الگوها را بازخوانی کنیم. الگوی دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ فرق کرده، اما در این زمینه فرهنگ‌سازی نشده است. مستندسازها هیچ برنامه تشویقی در این زمینه نداشته‌اند و سریالی به شکل جدی تهیه نشده است که بخواهد اهمیت ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری را به جوان نشان دهد. الگودهی‌کننده ازدواج، خانواده‌ها و فرزندآوری را به جوان نشان دهد و الگودهی کند. خانواده‌ها را نیز نسبت به ازدواج

گشایش گره چالش جمعیتی به شرط رویکردی همه‌جانبه

ازدواج را در فرزندآوری حذف نکنیم!

برای رسیدن به هر هدف یا غایتی باید تلاش کرد ولی این تلاش بدون چیدن مقدمات، کاری بیهوده است چراکه هر مقصودی پیش‌نیازهایی دارد که اگر سه آنها توجه نشود، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود.

در دهه‌های ۷۰-۶۰ شعار «فرزند کمتر- زندگی بهتر» برای کنترل جمعیت در خیابان و پارک حتی به صورت تبلیغات در فیلم‌ها و تلویزیونی و سینما تا درون رایشگاه‌ها دیده می‌شد و به دلیل هماهنگی سازمان‌های مرتبط و دیگر سازمان‌ها، به گونه‌ای که خانواده‌ای با تعداد فرزند کمتر محترم و فرهیخته محسوب می‌شد و حتی رسانه‌های تأثیرگذار مثل صداوسیما نیز خانواده‌هایی با نشان تک‌فرزندی یا بدون فرزند را جزو خانواده‌های بافرهنگ به جامعه مخاطب معرفی می‌کرد. سرانجام این موضوع به صورت یک فرهنگ درآمد تا جایی که باروری از شش فرزند به زیر دو فرزند کاهش پیدا کرد.

اگر چه تلاش‌ها به نتیجه رسید، اما گرایش به رویکرد تک‌فرزندی و بی‌فرزند، کشور و جامعه را با بحرانی مثل سونامی طلاق و طلاق عاطفی مواجه کرد و از همه بدتر اینکه ازدواج به عنوان یک توصیه دینی رنگ باخت، به گونه‌ای که اگر از هر ۱۰ جوان ایرانی درباره ازدواج سؤال می‌شد، پاسخ‌هایی مانند «فکر کن یکی بیاد و پاکیرش بشی»، «یکی میاد، بعد چند نفر میشی و شیرینی زندگی میره»، «ازدواج نمی‌کنم، اونوقت باید به نقری کار کنم و نون چند نفر رو دربریارم» شنیده می‌شد. این پاسخ‌های نجسب‌کنار ورود به بحران جمعیت، چراغ قرمز آفول تربیتی را هم روشن کرده بود، چراکه

معلوم می‌شد جوانان حقیقت و اساس زندگی را گم کرده‌اند.

به هر حال چاره‌ای باید اندیشیده می‌شد، چراکه با گسترش فضای مجازی و به دنبال آن تبلیغات منفی از سوی غرب و بیگانگان، کار سخت‌تر و فاصله نگاه جوانان به ازدواج و فرزندآوری روزبه‌روز بیشتر

و بیشتر می‌شد تا جایی که فرزندآوری جایش را با به‌آغوش کشیدن حیوانات خانگی عوض کرده بود! این نشان از آن داشت که شعارها

فرزندان و فرزندآوری توجیه و اقناع نکرده‌ایم. آنها نمی‌دانند اگر مسئله ازدواج و فرزندآوری که همان جانشین کردن نسل است، اتفاق نیفتد، جامعه با چه چالش‌هایی مواجه خواهد شد. خانواده‌ها باید اهمیت داشتن خاله، دایی، عمه و عمو را بدانند، اما ناآشنایی آنها با این مسائل باعث شده است تک‌بعدی رشد کنند. وقتی برای خانواده‌ها سیاست تشویقی در نظر گرفته نمی‌شود، از طرفی خوراک فرهنگی در رسانه‌های مکتوب و مجازی- با توجه به تأثیراتی که دارند- وجود ندارد، باعث می‌شود جوان و خانواده به فکر ازدواج و تکثر نسل نباشند. در موضوع ازدواج باید فرهنگ ازدواج آسان آورده شود تا خانواده‌ها بعضی از توقعات و نکات غلطی را که نسبت به مسئله ازدواج جوانان‌شان دارند، اصلاح کنند.

معمولاً در موانع ازدواج به مشکلات اقتصادی اشاره بیشتری می‌شود، اما در بررسی‌های به عمل آمده، گاهی بی‌رغبتی به ازدواج و فرزندآوری در خانواده‌های مرفه بیشتر مشهود است که یا تک‌فرزند هستند یا تصمیمی برای داشتن فرزند ندارند. نگران‌کننده‌تر اینکه به جای فرزند میل به نگهداری از حیوانات خانگی دارند. چطور می‌توان این قبیل تفکرات را تغییر داد؟

در این باره هم باید به چالش فرهنگی اشاره کرد. اینکه تلاش‌های

فرهنگی امروز باید با سال‌های ۶۰ و ۷۰ بسیار متفاوت باشد. زمانی کنترل جمعیت از سیاست‌های غلط دولتمردان و بزرگ‌ترین ضربه جمعیتی به کشور بود، اما برای به کرسی نشستن آن انواع شعارها از جمله «یست، دو بچه کافی است» در سطح شهر دیده می‌شد، به طوری که وزارت بهداشت آن زمان به جد پسی کار آمد و حتی مراکزی برای پایان بارداری زوجین راه‌اندازی کرد. در قیاس این تلاش‌ها برای کنترل جمعیت با تلاش‌های فرهنگی امروز برای رشد جمعیت، متوجه می‌شویم عزم برای تحقق این اهداف، قابل قیاس با آن زمان نیست!

در دهه‌های ۷۰-۶۰ در هر خیابان و چهارراهی تابلوی شعار «فرزند کمتر...» دیده می‌شد، اما آن تبلیغات گسترده امروز برای فرزندآوری دیده نمی‌شود. آن زمان شعارهای کنترل جمعیت محقق شد، چون همه دستگاه‌ها همسو شدند و آن موضوع یک فرهنگ شد، حالا اگر بخواهیم فرهنگ غلطی را پاک کنیم، باید سال‌ها زحمت کشید. اگر تنها در مسئله ازدواج بخواهیم رصد کنیم، چقدر همخوانی و همسازی وجود دارد؟ این در حالی است که اگر همه جوان‌های دهه هفتادی و هشتادی ازدواج کنند، باز ابرچاله جمعیتی جبران نمی‌شود و این نشان می‌دهد ما ۳۰-۲۰ سال دیگر یک کشور پیر خواهیم بود، حتی هنوز فیلم‌ها

همچنان روی تک‌فرزند تأکید دارند، بنابراین باید جهاد عینی اتفلاق بیفتد، همانند آنچه در کنترل نسل اتفاق افتاد. گفتمان‌سازی را باید اصلاح کرد. فیلمسازان و ارباب جراید باید در این مسئله پای کار بیایند و وسایل ارتباط جمعی مکتوب، دیداری و شنیداری پای این مسئله بیایند تا الگوسازی شود. ما برای جوانان و خانواده‌ها مشکل الگوسازی داریم، به همین دلیل جوان‌های دهه هفتادی و هشتادی مانند فرهنگ غربی در بین خانواده‌ها و زوجین هستیم.

مشوق‌های فرزندآوری و ازدواج را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برای فرزندآوری مشوق‌های زیادی گذاشته می‌شود اما برای ازدواج تنها یک مشوق داریم و آن هم وام ازدواج است که اگر زوجی بخواهد آن را بگیرد، ۱/۵ سال طول می‌کشد. حالا جوان با این وام که به خاطر تورم ارزش مادی‌اش را از دست داده است، چه کند؟ پس می‌توان گفت در صد مشوق‌های ازدواج نسبت به در صد مشوق‌های فرزندآوری چه در بعد اقتصادی و چه در جنبه فرهنگی، چنگی به دل نمی‌زند و سبد تشویقی در این زمینه تقریباً خالی است. باز در اینجا تأکید می‌کنم که باید اول در خانواده‌ها این سیاست‌ها فرهنگ‌سازی شود چراکه حتی اگر دولت‌ها انواع سیاست‌های تشویقی، چه برای ازدواج و چه برای فرزندآوری را اتخاذ کنند تا زمانی که برای خانواده‌ها الگو نشود، برای ازدواج جوانان اقدامی نمی‌شود.

مشوق‌ها باید شامل چه متغیرهایی باشد؟

بهتر است بگویم مشوق‌ها مانند سلسله زنجیری به هم متصل، مذهب، امنیت، اقتصاد و فرهنگ را دربرمی‌گیرد که باید به همه آنها توجه شود. اگر تنها به یک مورد توجه شود، دیگر موارد خنثی می‌شود. به طور مثال در موضوع ازدواج، باید ازدواج آسان شروع شود و درباره آن نکات مذهبی و آرامش‌آفرین در خانه و جامعه مطرح شود، اما امروز اینگونه نیست و یک‌سویه کار می‌شود. تا زمانی که این فاکتورها و مؤلفه‌ها را باهم پیوند نزنیم، نمی‌توانیم چه در موضوع ازدواج و چه در موضوع فرزندآوری به توفیق واقعی برسیم.

آیا مشوق‌های فرزندآوری را در اقناع خانواده‌ها مؤثر می‌دانید؟

مشوق‌ها با جامعه همخوانی ندارد و هم‌تراز نیست، به طور مثال مدت مرخصی زایمانی که تصویب شده است در محل کار برای مادران اعمال نمی‌شود یا وام فرزندآوری برای فرزندان سوم و چهارم تصویب می‌شود، ولی به بانک مراجعه می‌شود، می‌گویند بودجه نداریم! این نشان می‌دهد در اجرا مشکل داریم. از طرفی سیاست‌ها باید طوری طراحی شود که شخص بتواند به راحتی از تسهیلات عمومی استفاده کند، اما انقدر سنگ‌اندازی می‌شود که استفاده از تسهیلات میسر



نیست. در موضوع ازدواج ساخت مسکن اجاره‌ای به شرط تملیک راهکاری مؤثر است چراکه از موانع جدی جوانان در ازدواج به شمار می‌رود.

وضع موجود را چطور می‌بینید؟

به جرئت می‌توان گفت اگر چاره‌ای نیندیشیم، به سمت سیاه‌چاله بحران جمعیتی می‌رویم. اما راه خوب است ولی نسبت به رشد جمعیتی که پیر می‌شود، همخوانی ندارد. ما شیب نزولی وحشتناک داشتیم ولی از آن طرف شیب افقی خیلی کند است. شیب پیری جمعیت تند و شیب رشد جمعیت کند است. این اعداد نگران‌کننده است.

شما چند درصد خانواده‌ها را مقصر می‌دانید؟

خانواده‌ها به مسائل روز اجتماعی‌شان نگاه می‌کنند. مثلاً خانواده‌ای که فرزندش در آستانه ازدواج است، وقتی شرایط اقتصادی و فرهنگی را می‌بیند، تعلل می‌کند و عقب می‌نشیند. از طرفی آورده‌های خانوادگی فراموش شده است. لازم است برخی آموزه‌های مثبت ازدواج سنتی را احیا کنیم. این قابل قبول است که شرایط امروز با گذشته تفاوت دارد، اما گاهی این نگاه‌ها به خاطر فرهنگ‌های جدیدی است که رخنه کرده است. باید فرهنگ‌های خوب سنتی را زنده و با فرهنگ‌های نوین مخرب خانواده مقابله کرد.



نیازهای جوانان باشند و تفکرات غلطی را که مانع ازدواج آنهاست از ذهن‌شان دور کنند. باید به نحوی اصولی مؤلفه‌های سبک زندگی با فرهنگ ایرانی از جمله کار، تلاش، قناعت، پایبندی به اخلاق، ایمان و تقوا را با مؤلفه‌ها و تبلیغات سوء تهاجم نرم غربی از جمله عدم مسئولیت‌پذیری، فردگرایی، خودمحوری، فقدان ارزشمندی کار، ضعف مشارکت اجتماعی و ضعف تعلق ملی جایگزین کرد.

مسئولان نیز باید در تصمیم‌گیری و تصویب هر قانون و آیین‌نامه‌ای موارد را از همه جهات بررسی و لحاظ کنند تا در آینده شاهد ایرانی جوان باشیم. تحقق جوان‌ماندن ایران تنها با درج شعار بر بیلبوردها و تبلیغات میسر نیست، باید کار کرد و عمل. این کار و عمل باید مانند دهه‌های ۷۰-۶۰ با عزم ملی و اتحاد و تصمیم جدی و راسخ شکل بگیرد تا به صورت فرهنگ واحد در همه اذهان لانه‌گزینی و روزبه‌روز گام‌ها را به مقصود نزدیک و نزدیک‌تر کند.

باید فکر و نگرش‌ها را تغییر داد

ناگفته نماند مشکلات اقتصادی مانع اصلی ازدواج جوانان نیست. شاید در گپ‌گفت با خانواده‌ها و جوانان این موضوع به عنوان اولین مورد درباره موانع ازدواج مطرح شود، اما در نگاهی عمیق‌تر به گذشته همین خانواده‌ها درمی‌یابیم بسیاری از آنها با درآمد کم، زندگی‌شان را از اتاق تودرتو شروع و در همان خانه دو یا سه فرزند هم به دنیا آورده‌اند و از همه مهم‌تر اینکه در بررسی‌احوال فرزندان‌شان، بعضی از آنها رشد و تربیت خوبی نسبت به افراد مرفه نیز داشته‌اند، بنابراین همانطور که بسیاری از کارشناسان و متخصصان گفته‌اند، مشکلات فرهنگی مهم‌تر و غالب‌تر از مشکلات اقتصادی است و برای تصمیم‌گیری در این باره نیاز است ابتدا افکار اصلاح شود.

سبک و فرهنگ زندگی ایرانی را جایگزین سوغات تهاجم نرم فرهنگ غربی کنیم

در آخر باید گفت هم خانواده‌ها و هم مسئولان باید به فکر تأمین